

این واژن دهانه کور و بویض و **بیت** و غنای قمر ابرو قلبه و این طویلی  
که بعضی پرورده اند طول برابر با باب خود که صورت درین اولیه وصوله  
دبی کوریند و هر چند اخرف یا با آن مضامین **عشق** می خنجد کمان  
جهان اقباب پیچ جناب که **بیت** بختیش او را برادر کس با باب و کج  
ایابی مضامین کوج و قوت با بی او یعنی این خلق از بی نساد  
بعضی با افرز بابی انشاء مثل باوزار باد شاه ایامند چکلن بینکش  
یا با آن اخرف صک با بی باوه جلاوه با بی بر بی بی او یعنی مضامین با بی  
**بیت** بنا و نکی و قوه جاو و ایابی نغلو با بی بذرات ایامند او را آن  
پایوند دخی در با بی تاب طوله ققصه با بی در و مستهور و معروف  
طعام در کدیون و صغیرا قلمین بشور ابرو یکدیگر دخی مستعمل پیچید  
در لرخواست یعنی با پوست ایامند در بلش دیگر و شخبین او نفس و قوه  
جاو با بی دانه اما آن طوری اید با ایستق لغظت فعل مضارع اید که  
دیگر باید را بی زبات و برک اید آن ایعلق یعنی این بصدیق بریاد  
صواته بی بریاد یا بی این لغظت فعل مضارع و قائم و ایلن مضامین  
لطیف **بیت** جوهرم که بشویش ق بایم عرض که در یکی با بی و کو یک و  
فانحی اسدی **بیت** م از دان بهر جمله افرید حد بایم که جنگ که کون  
باید و حکم طویق اسدی **بیت** دین را باهای از بد نیش دوست که  
نزد کون دین سیرت اوست و بصیق لطیف **بیت** بیاید که با بی ها ناگهان  
برونی که در پی با بی تان و ایامند دیک مضامین لطیف **بیت** هر که در  
پیش لیش بوی جهل در تان **بیت** هر که در پی بی رود بی اید و دنیا  
کنند با بر مثل باوزار باوه کوز نعل با بی و بر و نیک با بی ده باد شاهر  
بختیش و سگ لیلان غامی در اید و غیر کلمتد یعنی متول مستعد  
که باد شاهر یک داند نشتان و بر ابر اول نشانی کوری مطیع **بیت**

دسته سن الم را اید و خرا ایدن باوه طومان با جبهه بی و جاره که نصیب  
مغانند در عطای اید شاهلر با ایزده یعنی بازده و معروف بر دانه بر اسیب  
کوک بخند با بی کاه او ای و منزل و مرتبه و بز دانی و هدمگاه و سخنر با یکدیگر  
برویله با یکدیگر با بی کو ب ر قاص با بی در نصب و یکدیگر چون جی اتم و  
اول دیکج وین کشیده ده اطلاع او نشور با بزه با بی و کوا یعنی با بی با با  
ابن الفدره بصلتی خور و لشی نسته با ستان کفیل با بینه با بی و بای و بای  
همینند با بوند مثل با بی بند با بده بصیق و مرتبه و با در و در جبهه و با ب  
بیا پیچید و بجهد بر معروف بر پیچید با بوند در رساله کجی بز با و تانک  
ضد سید جوی و مضامین بویان بلنک در سید بر پفنا دیکر که رسم دستا  
از حیل گوینده کوری **بیت** روان رسم دستان بیکجی کجسته بوقت کجی  
شید شاه بویان **بیت** تهمت بیوشید بویان **بیت** شست از بون دهای زیان  
بعضی لغزه بویان واقع اولش یعنی با دن صکوه با بده و جست و جاهان  
مضامین دخی کلور سید مرم چشم یعنی کوز بکی که تو کیده دخی استعمال  
بیا بس نورا اتمک که از بر بند کس ایامند متوا لده و شیش مضامین  
ایبی که کوز انفر سیدن او نور بیلر بلی و سس کسین با بون بت جله جی بی  
شمع **بیت** جمال دینی و دین در زمان مصاف **بیت** دهد بیخون عدو نر بود  
اورابت و جله خانه و بر لرخی و قبط یعنی قان بتار یعنی کجا در بختان  
کین مرغ بمثال م بتات اوق بوی بر نرق اصل بلت ایدی و الله تانک  
مخرجی بوا و لر شندن او توری دانی تاده ادغام اید بلی بر اوری شندر  
دخی جا بوند بویه عناد و بر لرخی بشور یعنی لیکه مقارن علمد کولک بر  
مقارن کولک ایلمری مقارن اولد بعضی اید بلی بر و شندر لیکه ایلمری پیچید  
سیدر بر پیچید با بوند در سوزنه **بیت** نهاده اندرون و پیچید معن از  
سرها بسان شنگ پیچید بشور بودر و سوراخ بعضی اخفاده اخرف ز او

Copyrighted material